

در این مقاله سعی شده، میزان گرایش به هویت قومی عرب‌های خوزستان بررسی شود. تمام عرب‌های بالای ۱۸ سال و حداقل دیپلم هفت شهر اهواز، آبادان، خرمشهر، سوسنگرد، شادگان، ملاتانی و اروندکنار جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهد. فرضیه اصلی تحقیق این است که قومیت عرب خوزستان به هویت ملی و هویت قومی هر دو گرایش بالایی دارد. بین وضعیت اقتصادی و میزان هم‌گرایی به هویت ملی این قومیت نیز رابطه معناداری وجود دارد و هرچه درآمد اقتصادی افراد افزایش می‌یابد گرایش آنان به عناصر هویت ایرانی - اسلامی نیز افزایش می‌یابد. برای بخش گرایش به هویت ملی مؤلفه‌های تعلق سرزمینی، تعلق به ملت، اعتماد به مسئولان و دستگاه اجرایی (دولت) و زبان فارسی در نظر گرفته شده است. هویت قومی نیز بر اساس دو شاخص «آداب و رسوم فرهنگی» و «زبان محلی» مورد سنجش قرار گرفته است. ضمن آنکه ضریب همبستگی «درآمد اقتصادی» و عناصر هویت ملی سرزمینی و دولت نیز بررسی شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد عرب‌ها نه تنها گرایش بالایی به هویت ایرانی - اسلامی دارند بلکه به هویت قومی خود نیز علاقه دارند و علاقه به هویت قومی آنان باعث کاهش گرایش به هویت ملی نمی‌شود. ضمن آنکه ریشه برخی ناهمگرایی‌ها را باید در بررسی شاخص‌های عینی هم‌چون مشکلات اقتصادی، اجتماعی و به تبع آن «احساس محرومیت نسبی» جست‌جو کرد. در مؤلفه‌های ذهنی و تمایزگرایانه.

گرایش به هویت ملی و هویت قومی در عرب‌های خوزستان

سید حمداله اکوانی*

چکیده

در این مقاله سعی شده، میزان گرایش به هویت قومی عرب‌های خوزستان بررسی شود. تمام عرب‌های بالای ۱۸ سال و حداقل دیپلم هفت شهر اهواز، آبادان، خرمشهر، سوسنگرد، شادگان، ملاتانی و اروندکنار جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهد. فرضیه اصلی تحقیق این است که قومیت عرب خوزستان به هویت ملی و هویت قومی هر دو گرایش بالایی دارد. بین وضعیت اقتصادی و میزان هم‌گرایی به هویت ملی این قومیت نیز رابطه معناداری وجود دارد و هرچه درآمد اقتصادی افراد افزایش می‌یابد گرایش آنان به عناصر هویت ایرانی - اسلامی نیز افزایش می‌یابد. برای بخش گرایش به هویت ملی مؤلفه‌های تعلق سرزمینی، تعلق به ملت، اعتماد به مسئولان و دستگاه اجرایی (دولت) و زبان فارسی در نظر گرفته شده است. هویت قومی نیز بر اساس دو شاخص «آداب و رسوم فرهنگی» و «زبان محلی» مورد سنجش قرار گرفته است. ضمن آنکه ضریب همبستگی «درآمد اقتصادی» و عناصر هویت ملی سرزمینی و دولت نیز بررسی شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد عرب‌ها نه تنها گرایش بالایی به هویت ایرانی - اسلامی دارند بلکه به هویت قومی خود نیز علاقه دارند و علاقه به هویت قومی آنان باعث کاهش گرایش به هویت ملی نمی‌شود. ضمن آنکه ریشه برخی ناهمگرایی‌ها را باید در بررسی شاخص‌های عینی هم‌چون مشکلات اقتصادی، اجتماعی و به تبع آن «احساس محرومیت نسبی» جست‌جو کرد. در مؤلفه‌های ذهنی و تمایزگرایانه.

کلیدواژه‌ها: هویت ملی، هویت قومی، هم‌گرایی ملی، محرومیت نسبی، چرخه محرومیت و عرب‌های خوزستان.

مقدمه

ایران کشوری با تنوع قومی و فرهنگی زیاد است و ساکنان آن به‌رغم اشتراکات فراوان فرهنگی و اجتماعی و تعلقات فراقومی و فرازبانی، تعلقات فروملی و مبتنی بر عشیره، طایفه، ایل و قومیت نیز داشته‌اند و هر کدام سطوحی از "هویت" جامعه ایرانی را تشکیل می‌دهند. سرزمین ایران در مقوله تنوع زبانی و قومی با ۲۴٪ همانندی رتبه شانزدهم در جهان در این زمینه را دارد (حاجیانی، ۱۳۸۰: ۱۲۰). در تحولات تاریخ معاصر ایران گاه این ناهمانندی‌ها، دست‌مایه حرکت‌های واگرایانه قرار گرفته و گذشته از اثرگذاری عوامل فراملی و خارجی در بروز یا تشدید گرایش‌های قوم‌گرایانه، نخبگان قومی نیز سعی در «پررنگ کردن خطوط تمایز قومی و زبانی» و تزریق نوعی "خودآگاهی جمعی" در مناطق قومی داشته‌اند (نبری، ۱۳۸۳: ۴۸۱). از جمله این مناطق، مناطق عرب‌نشین استان خوزستان است که در نود سال گذشته چندبار دستخوش تحولات و ناآرامی‌های قوم‌گرایانه شده که آخرین و بزرگ‌ترین آن‌ها در سال ۱۳۸۴ حادث شد (تاجیک، ۱۳۸۰: ۸۷).^(۱)

برخی دیدگاه‌ها چنین رویدادهایی را یا رویکرد «هویت‌جویی» نگرسته و بر این نکته تمرکز کرده‌اند که اساساً تمایل به مؤلفه‌های فرهنگ قومی مانند زبان و گویش و برخی آداب و رسوم مغایر با گرایش به هویت ملی است و ناآرامی‌ها در مناطق قومی نیز هدفی جز کسب هویتی مستقل از هویت ملی ندارد. در مقابل این رویکرد «ذهن‌گرا»، برخی دیگر بر این باورند تمایل به هویت ملی با برخی تمایلات فروملی نظیر گویش و آداب و رسوم مغایر نیست و نباید هر رویدادی یا اعتراضی را به مسئله این دو سطح از هویت ارتقاء داد. به‌عبارت دیگر هویت قومی در طول هویت ملی قابل تعریف است و در تحلیل و تبیین علت برخی تحولات در مناطق قومی باید از رویکردهای «عینی» بهره گرفت، نه رویکردهای هویت‌جویانه و ذهنی.

این نوشتار درصدد پرداختن به نظرگاه‌های مختلف و نیز علل و عوامل بروز تحولات قومی نیست بلکه تلاش می‌کند به این سؤالات پاسخ دهد که در شرایط کنونی «هویت قومی

عرب‌های خوزستان چه نسبتی با هویت ملی ایرانی دارند؟ آیا عرب‌های خوزستان هویت خود را در مقابل هویت ملی تعریف می‌کنند یا آن را در بستر هویت ملی و در تعامل با آن می‌دانند؟ سؤال دیگر اینکه در صورت هم‌گرایی این دو سطح هویتی، ناآرامی‌های سال ۱۳۸۴ در این استان را چگونه باید تحلیل کرد؟ آیا این تحرکات "هویت‌جویانه" بوده یا باید منشاء آن را «عینی» و برخاسته از مشکلات اقتصادی و اجتماعی خوزستان طی سال‌های پس از جنگ تاکنون یافت؟

هویت ملی ایرانی و شاخصه‌های آن

هویت شناختی است که مردم از خود دارند و خود را از دیگران متمایز می‌کنند (زامد، ۱۳۸۴: ۱۳۱). و هویت ملی ارتقای این شناخت از فرد، گروه و قبیله و هر اجتماعی فروملی به جامعه ملی و احساس تعلق به «عناصر و نمادهای مشترک ملی (کل جامعه) و در میان مرزهای تعیین شده سیاسی است» (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۷) در هویت ملی سؤال از این است که فرد خودش را عضو کدام واحد سیاسی می‌داند. مسئله این است که افرادی که از لحاظ فیزیکی در یک واحد جغرافیایی خاص و نظام حکومتی خاص قرار دارند و مشمول قوانین حاکم بر آن هستند آیا به لحاظ روانی هم خود را عضو این نظام سیاسی می‌دانند یا خیر؟ مهم‌ترین این عناصر که شکل‌دهنده هویت ملی هستند نیز شامل سرزمین، دین، دولت، زبان و ادبیات و آیین‌ها و مناسک است. در درون یک اجتماع ملی میزان تعلق و وفاداری اعضاء به هر یک از عناصر و نمادهای مذکور شدت احساس هویت ملی را مشخص می‌سازد. هویت ایرانی نیز دارای چنین عناصری است. اغلب محققان، جغرافیا و سرزمین، زبان فارسی و دین اسلام، ملت (اقوام ایرانی) و مدرنیته را عناصر اصلی هویت ملی ایرانی قلمداد کرده‌اند. در این پژوهش نیز به جز عنصر مدرنیته از سایر شاخص‌ها برای سنجش میزان هم‌گرایی یا قومیت عرب به هویت ملی استفاده شده است.

هویت قومی

هویت قومی نیز همانند هویت ملی نوعی شناخت از خود و تمایز با دیگران است. هویت قومی برخلاف هویت ملی که زاده عصر جدید است، سابقه‌ای تاریخی دارد (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۲۴) و به احساس وفاداری و افتخار نسبت به نمادهای قومی هم‌چون زبان، مذهب، آداب و مناسک و مفاخر فرهنگی اطلاق می‌شود (یوسفی، ۱۳۷۲: ۲۰۳). در این نوع هویت روابط عاطفی

اعضاء بیش تر بوده و همگنی و یکدستی بیش تری نسبت به جامعه کلی بر آن حاکم است. هویت قومی در مرتبه پایین تری نسبت به هویت ملی قرار دارد (رضایی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۲۱). قومیت عرب هم همانند سایر اقوام ضمن اشتراکات فراوان با دیگر اقوام، برای خود برخی عناصر و آداب و رسوم فرهنگی دارد که افراد با آنها خود را تعریف می کنند. زبان عربی، شعرخوانی جمعی، یزله، لباس های سنتی دشداشه، عگال و... واژگان فرهنگی مربوط به قومیت عرب هستند.

چهارچوب نظری پژوهش

از دهه شصت به بعد رویکردها و نظریه های مختلفی برای تبیین پدیده هایی هم چون همبستگی ملی، هویت ملی، واگرایی قومی و ناسیونالیسم وارد مطالعات قومی شده است. این رویکردها و نظریات را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد. به عبارت دیگر پاسخ رویکردها و نظریه های مختلف مطالعات قومی و ناسیونالیسم به این سوال «که علل و عوامل بروز حرکت های واگرایانه و اعتراضات قومی کدامند» را می توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول نظریاتی که به نقش عوامل «ذهنی» و هویت محور در بروز ناآرامی ها، جنبش ها و بحران های قومی تأکید می کنند و دسته دوم بر عوامل «عینی» تمرکز دارند (صالحی ابری، ۱۳۸۵: ۹۳). از دید «رانچالد و شایخلین» عوامل ذهنی همان چیزهایی است که ریشه در هویت خواهی جامعه قومی دارد. به این معنا که مجموعه ای از عوامل فرهنگی، ایدئولوژیک موجب تمایل جمعی یک قوم برای احیای هویت، نمادهای فرهنگی و منزلت خود مقابل دیگری می شود. این دسته از نظریات هویت قومی و هویت ملی را نه سطوحی قابل جمع از هویت، بلکه کاملاً در تعارض همدیگر و غیرقابل جمع قلمداد می نمایند. دسته دوم برعکس بر عوامل عمدتاً اقتصادی و اجتماعی عینی و مشاهده پذیر به عنوان علت سطوح مختلف واگرایی قومی تمرکز کرده اند. به عنوان مثال عینی گرایان تبعیض در قوانین و برنامه ها، حق مالکیت، حقوق مدنی و توزیع منابع و امکانات را به عنوان عواملی که موجب نارضایتی یا ناهمگرایی یک گروه قومی با هویت ملی می شود می دانند (امیراحمدی، ۱۳۷۷: ۲۹). با این مقدمه سه دسته از مهم ترین نظریاتی که هر کدام بر یک یا هر دو این عوامل تأکید می کنند را به اختصار توضیح می دهیم و سپس چهارچوب نظری و فرضیه پژوهش را مطرح می کنیم.

۱. ابزارانگاران

رویکرد ابزارانگاری یا نخبگان ریشه در دیدگاه‌های پال، آر براس دارد. به‌طور کلی ابزارانگاران معتقدند: «هویت ملی و قومی وسیله منطقی در دست گروه‌های نخبه رقیب‌اند تا در مبارزه بر سر قدرت، ثروت و اعتبار حمایت توده‌ها را به‌دست آورند (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۱۲۷). به بیان دیگر نخبگان قومی به تعریف و بازتعریف عناصر و مبانی هویت قومی به گونه‌ای می‌پردازند که قدرت بسیج آنان را افزایش داده، به نحوی که قدرت چانه‌زنی‌شان مقابل نخبگان حاکم افزایش یابد.

به نظر پل براس «نخبگان قومی نه تنها با استفاده از میراث فرهنگی گروه هویت قومی متمایزی می‌سازند بلکه در رقابت برای کسب قدرت سیاسی، بین گروه‌های قومی شکاف نیز ایجاد می‌کنند» (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۶). براس هم‌چنین تأکید می‌کند نخبگان قومی برای دستیابی به برخی منافع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، با بهره‌گیری از احساسات قومی دست به تحریک اعضای گروه‌های قومی می‌زنند و این اقدام از طریق کانال‌هایی نظیر رسانه‌ها انجام می‌شود در صورتی که این کانال‌های ارتباطی در اختیار برگزیدگان اقوام نباشد، فرآیند بسیج قومی و تشدید قوم‌گرایی از جانب آنان ناکام خواهد ماند (رضایی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۲۳). به‌طور خلاصه باید گفت در نظر ابزارانگاران به این موضوع تأکید می‌شود که خلق مسائل قومی مثل جدایی یا خودمختاری توسط نخبگان و حمایتشان از این خواسته‌ها حاکی از اعتقاد صادقانه آن‌ها به مسائل و مشکلات گروه‌های قومی نیست، بلکه استراتژی ابزارگرایانه در خدمت تحقق منافع و اهداف سیاسی این نخبگان است (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۷۴).

۲. نظریه محرومیت نسبی^۱

تئوری محرومیت نسبی برای تشریح خشونت‌ها، ناآرامی‌ها و بحران‌های قومی در مطالعات اجتماعی کاربرد زیادی دارد. این نظریه بیش‌تر به عوامل عینی به‌عنوان منشاء چنین واگرایی‌های قومی نظر دارد. براساس این رویکرد نارضایتی و شورش قومی هنگامی صورت می‌گیرد که مردم به این نتیجه برسند که کم‌تر از آنچه که حقشان است دریافت می‌کنند. به نظر تد رابرت گر محرومیت نسبی (اعم از فردی یا جمعی) نتیجه احساس وجود شکاف غیرقابل تحمل میان توقعات ارزشی و قابلیت‌دهی ارزشی

است (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۰۴). الیورت ارنسون نیز تأکید می‌کند: «انقلاب‌ها و شورش‌ها توسط مردم محروم آغاز نمی‌شود، بلکه توسط مردمی آغاز می‌شود که تازه سر بلند کرده‌اند و با مقایسه وضعیت خود و دیگران متوجه بی‌عدالتی‌های حاکم بر شرایط زندگی خود می‌شوند» (مقصودی، همان).

البته طبیعی است که احساس محرومیت می‌تواند در عمل و به صورت واقعی وجود نداشته باشد. "رانسی" و "هوندروستین" هم در دیدگاهی مشابه و مکمل، نظریه "محرومیت نسبی و نسبت دادن" را برای توضیح چرایی وقوع ناآرامی‌ها و مازعات قومی و اگراییانه مطرح کرده‌اند. مطابق این دیدگاه در صورت کمیابی و محدودیت منابع مورد رقابت افراد و گروه‌های اجتماعی، چنانچه فرد یا گروهی ادراک کند و بیند که دیگران (افراد یا گروه‌های دیگر) بدان دست یافته‌اند، درحالی‌که او نیز به آن میل داشته، اما امکان به دست آوردن آن را نداشته باشد، احساس بی‌عدالتی یا محرومیت نسبی خواهد کرد (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۴۴ و ۴۵). براساس نظریه "نسبت دادن" مشارکت‌کنندگان در موقعیت‌های خاص، بیشتر دلایل رفتار خود را به عوامل موقعیتی از جمله رفتار دیگر شرکت‌کنندگان نسبت می‌دهند حال آنکه دیگر مشاهده‌گران خارجی همان رفتار را به خصوصیات شخصی مشارکت‌کننده نسبت می‌دهند.

۳. نظریه چرخه محرومیت

نظریه چرخه محرومیت نیز تفسیری دیگر از نظریه محرومیت نسبی است. براساس این نظریه به‌طور کلی شکل‌گیری و تشدید پدیده محرومیت در سطح فرد و جامعه با تأکید بر متغیرهای اقتصادی قابل طرح است. از این منظر محرومیت ناشی از عوامل درون‌زا یا ناشی از عوامل برون‌زا است. به دیگر سخن در برخی شرایط فرد یا جامعه به دلیل برخوردار نبودن از استعدادها و شرایط لازم همچون نارسایی‌های فیزیکی (فرد) و منابع مادی و طبیعی (جامعه) از توسعه محروم می‌شود (محرومیت درون‌زا). در برخی مواقع نیز منابع و استعدادها وجود دارد اما فرد و جامعه به دلیل اقدامات و سیاست‌ها و تصمیمات از ناحیه عمل خارجی (فرد، گروه، دولت، حوادث و...) از دسترسی و بهره‌مندی از مواهب، منابع و عواید ناشی از آن محروم می‌شود (صالح امیری، ۱۳۸: ۸۳).

عوامل محرومیت برونزا را می‌توان به دو دسته عامدانه و غیرعامدانه نیز تقسیم کرد. به‌عنوان مثال جنگ و متوقف شدن برنامه‌های توسعه یک منطقه، برنامه‌ریزی نادرست توسعه و توسعه ناموزون، عوامل برونزای غیرعامدانه که منجر به احساس محرومیت و تبعیض در توزیع اعتبارات، طرح‌های توسعه و منابع جزء عوامل برونزای عامدانه محسوب می‌شود.

نظریات "محرومیت نسبی"، "محرومیت نسبی و نسبت دادن" و "چرخه محرومیت" قابلیت توضیحی مناسبی برای تحولات چند سال گذشته استان خوزستان دارد. استان خوزستان در سال ۱۳۵۶ به لحاظ شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی رتبه دوم کشور را داشته است و در شمار استان‌های توسعه‌یافته کشور محسوب می‌شده است در حالی که در سال ۱۳۶۵ با دوازده رتبه تنزل در شمار استان‌های توسعه‌نیافته قرار گرفت و ده سال بعد یعنی در سال ۱۳۷۵ نه تنها تحولی در شاخص‌های توسعه این استان ایجاد نشد بلکه دو رتبه دیگر نیز در شاخص‌های توسعه این استان تنزل مشاهده می‌شود (جدول شماره یک).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

۱	۱۳۵۶	۱۳۶۵	۱۳۷۵
۲	۱۳۵۶	۱۳۶۵	۱۳۷۵
۳	۱۳۵۶	۱۳۶۵	۱۳۷۵
۴	۱۳۵۶	۱۳۶۵	۱۳۷۵
۵	۱۳۵۶	۱۳۶۵	۱۳۷۵
۶	۱۳۵۶	۱۳۶۵	۱۳۷۵
۷	۱۳۵۶	۱۳۶۵	۱۳۷۵
۸	۱۳۵۶	۱۳۶۵	۱۳۷۵
۹	۱۳۵۶	۱۳۶۵	۱۳۷۵
۱۰	۱۳۵۶	۱۳۶۵	۱۳۷۵

۱- ...
 ۲- ...
 ۳- ...
 ۴- ...
 ۵- ...
 ۶- ...
 ۷- ...
 ۸- ...
 ۹- ...
 ۱۰- ...

جدول شماره (۱): مقایسه سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور (۱۳۵۶ - ۱۳۷۵)*

۱۳۷۵	رتبه	۱۳۵۶	رتبه
استان		استان	
سمنان	۱	مرکزی	۱
یزد	۲	اصفهان	۲
مرکزی	۳	خرزستان	۳
اصفهان	۴	یزد	۴
تهران	۵	گیلان	۵
آذربایجان شرقی	۶	فارس	۶
کرمان	۷	سمنان	۷
گیلان	۸	مازندران	۸
فارس	۹	کرمان	۹
مازندران	۱۰	خراسان	۱۰
چهارمحال و بختیاری	۱۱	کرمانشاه	۱۱
آذربایجان غربی	۱۲	آذربایجان شرقی	۱۲
خراسان	۱۳	آذربایجان غربی	۱۳
همدان	۱۴	همدان	۱۴
خرزستان	۱۵	لرستان	۱۵
بوشهر	۱۶	بوشهر	۱۶
زنجان	۱۷	چهارمحال و بختیاری	۱۷
کردستان	۱۸	هرمزگان	۱۸
کهگیلویه و بویراحمد	۱۹	کردستان	۱۹
لرستان	۲۰	زنجان	۲۰
هرمزگان	۲۱	سیستان و بلوچستان	۲۱
سیستان و بلوچستان	۲۲	کهگیلویه و بویراحمد	۲۲
کرمانشاه	۲۳	ایلام	۲۳
ایلام	۲۴		

* منبع: صالحی امیری، میدرضا (۱۳۸۵)، مدیریت منازعات قومی در ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک، صص: ۳۷۲-۳۷۳.

چنانچه ملاحظه می‌شود روند تنزل شاخص‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسعه خوزستان پس از انقلاب اسلامی ادامه داشته است. در تشریح عوامل این تغییرات منفی، می‌توان از نظریه چرخه محرومیت برونزا بهره گرفت. جنگ تحمیلی به‌عنوان یک "رویداد" و عامل برونزای خارجی روند توسعه این منطقه را متوقف کرد. پس از آن نیز سیاست‌های نامناسب توسعه به‌عنوان یک عامل برونزای داخلی غیرعامدانه در تشدید چرخه محرومیت مؤثر بوده است. بنابراین یک عامل برونزای خارجی و یک عامل درونزای داخلی بستر ساز بروز چرخه محرومیت این منطقه شده است. در این شرایط قومیت عرب بین "انتظارات" و "دستاوردهای" خودشکافی رو به تزاید احساس کرده است و خود را با دیگران (مردم سایر مناطق کشور، مردم کشورهای عربی همسایه) مقایسه می‌کند. امتداد برون‌مرزی قومیت عرب به لحاظ فرهنگی و زبانی و فعالیت نخبگان قوی و رسانه‌های عربی قوم‌گرا شرایط عینی را دست‌مایه فعالیت خود قرار داده و بر ارتقاء خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی به تفاضاهای هویتی تمرکز کردند و به گفته احمد اشرف «علاقه‌مند هستند هویت مستقلی برای خود داشته باشند» (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۶۲). بدین ترتیب شرایط عینی (جنگ و ناکارآمدی سیاست‌های توسعه) بستر را فراهم کرد و موجب بروز احساس محرومیت بین قومیت عرب شد و نخبگان قومی نیز تلاش کردند با دست‌مایه قرار دادن شرایط اقتصادی خوزستان این منطقه و قومیت عرب آن را «در مقایسه با دیگر مناطق عقب‌نگه‌داشته شده معرفی کرده و تلاش کنند ساکنان آن نواحی را به دنبال خود بسیج کنند» (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۷۱).

در این نوشتار به دنبال سنجش میزان قابلیت توضیحی همه این نظریات نیستیم، بلکه به دنبال آن هستیم که میزان قابلیت توضیحی شاخص اصلی محرومیت (اقتصادی اجتماعی) را بر میزان گرایش به هویت ملی مورد سنجش قرار دهیم و این فرضیات را مورد آزمون قرار دهیم:

۱- قومیت عرب به هویت ملی و هویت قومی هر دو گرایش بالایی دارد و این دو نه در تعارض با هم بلکه هویت قومی عرب‌های خوزستان در بستر هویت ملی ایرانی - اسلامی قابل تعریف است.

۲- بین درآمد افراد و میزان هم‌گرایی قومیت عرب به هویت ملی رابطه معنادار وجود دارد.

۳- در سطح افقی (بین قومیت عرب و دیگر قومیت‌ها) ناهمگرایی وجود ندارد.

۴- بین پایگاه اقتصادی فرد و میزان گرایش به عنصر دولت هویت ملی رابطه معنادار وجود دارد.

پراکندگی جغرافیایی و منشاء تاریخی قوم عرب

اعراب در سراسر دنیا، قلمرو وسیعی از دو قاره آسیا و آفریقا را شامل می‌شوند و در ایران نیز در جنوب و جنوب غرب در بخش‌هایی از استان خوزستان ساکن‌اند امیراحمدی عرب‌ها را کم‌جمعیت‌ترین قومیت ایران و جمعیت آن‌ها را حدود دو درصد کل جمعیت ایران برآورد کرده است (امیراحمدی، ۱۳۷۷: ۳۲). برخی منابع جمعیت عرب‌های خوزستان را بیش از این عنوان کرده‌اند.^۳ تمرکز جمعیت عرب‌های خوزستان بیش‌تر در شهرستان‌های اهواز، آبادان، خرمشهر، شادگان و دشت آزادگان است. این استان از لحاظ طبیعی به دو ناحیه مشخص کوهستانی و جلگه‌ای تقسیم می‌شود که مناطق کوهستانی آن بیش‌تر محل سکونت لرها، بختیاری‌ها، بهبهانی‌ها و اعراب کمبری (جبیلات) است و منطقه‌ای جلگه‌ای آن نیز محل سکونت اقوام و مردمان دزفولی، شوشتری، هندیجانی و اعراب است (سیادت، ۱۳۷۴: ۱۰۴).

این که عرب‌های خوزستان از چه زمانی در ایران سکونت پیدا کرده‌اند، اسناد تاریخی مسئله را روشن نمی‌سازد اما این قوم همواره خود را جزء جدایی‌ناپذیر ملت ایران دانسته‌اند کسروی می‌نویسد:

تا آنجا که یقین است و دلیل در دست است تاریخ هجرت تازیان به ایران را باید قرن‌ها پیش از اسلام و آغاز پادشاهی ساسانیان در نظر گرفت... که طوایفی از تازیان در گرمسیرهای ایران از خوزستان و بحرین و پارس و کرمان نشیمن داشته‌اند. (کسروی، ۱۳۳۵: ۹۸).

اسناد و نوشته‌های دیگر نیز حاکی از آن است که اعراب ساکن در ایران از جمله اعرابی هستند که سرزمین نخستین آن‌ها یمن و حجاز بوده است و همانند سایر قبایل و عشایر جهان به دلایل اقتصادی و جغرافیایی به سوی مناطق دیگر کوچ کرده‌اند (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۱۴۱). سیادت مردم خوزستان را به دو دسته تقسیم می‌کند؛ نژادهای قدیم که پیش و بعد از آمدن آریایی‌ها در این سرزمین سکونت داشته‌اند و نژادهایی که بعد از آمدن آریایی‌ها و طی حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس به خوزستان کوچ کرده‌اند و با اقوام اولیه ممزوج شده‌اند. سیادت عرب‌ها را جزء گروه دوم می‌داند (سیادت، ۱۳۷۴: ۹۵-۹۰). به هر

حال از پنج هزار سال قبل تاکنون طوایف و نژادهای گوناگون به خوزستان ایران وارد شده‌اند و به مرور زمان ویژگی‌ها و اشتراکات فرهنگی و اجتماعی یافتند و هر کدام، از جمله عرب‌های خوزستان در تحولات ایران نقش داشته‌اند، اقوام و طوایف گوناگونی که البته هر کدام در کنار تعلقات ملی، ویژگی‌ها و آداب و رسوم فرهنگی و اجتماعی خاص خود را نیز داشته‌اند.

نژاد و زبان

اقلیت عرب خوزستان تفاوت‌هایی با سایر اقوام موجود در ایران دارند. بدین لحاظ هم دارای زبانی مستقل از فارسی‌اند و هم اینکه به لحاظ نژاد از گونه هند و اروپایی نیستند. عرب‌ها از نژاد سام (سامی) و از دو دسته اعراب بانده یا قدیم و اعراب باقیه که منقسم به قحطانی و عدنانی است، تشکیل می‌شوند. عرب‌های خوزستان عدنانی هستند (سیادت، ۱۳۷۴: ۱۰۳). زبان مردم عرب خوزستان عربی است که البته طی سالیان گذشته زبان محاوره‌ای آنان کلمات فارسی بسیاری را به خود جذب کرده است و نوعی زبان محلی عربی شکل داده که می‌توان آن‌ها را عربی محلی خوزستان نامید. این زبان محلی میان بزرگسالان و نیز در شهرها و مناطقی که جمعیت عرب است بیش‌تر استفاده می‌شود اما در دیگر مناطق و میان جوانان و نوجوانان زبان رسمی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی طوایف عرب خوزستان

ساخت اجتماعی زندگی عرب‌های خوزستان مبتنی بر طوایف است. بیش از یکصد طایفه عرب خوزستان وجود دارد. بسیاری از عناوین طوایف و عشیره‌ها و قبیله‌های عرب خوزستان، القابی است که در نتیجه شجاعت و دلیری افراد عضو خود در جنگ‌های داخلی و خارجی کسب کرده‌اند. از گذشته تاکنون به‌ویژه در حال حاضر بیش‌تر اسامی این طوایف دقیقاً یا با پیشوندها و پسوندهایی به‌عنوان نام خانوادگی مردم عرب خوزستان به‌کار می‌روند.

عرب‌های خوزستان به لحاظ فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی با دیگر قومیت‌ها و عشایر ایران اشتراکات زیادی دارند اما آنان برخی آداب و رسوم فرهنگی و اجتماعی خاص

نیز دارند. اعراب خوزستان تحت تأثیر شرایط اقلیمی و وجود بادهای «موم» پیراهن و البسه بلند می‌پوشند. مردان دشداشه، چفیه و گاهی نیز عکال می‌پوشند و زنان نیز عبا و روپوش‌های کامل با آستین باز به نام «ثوب» می‌پوشند. البته امروزه بیش‌تر پوشش رسمی کشور در میان مردم عرب به‌ویژه جوانان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اشعار و قصاید حماسی محلی در میان عرب‌های استان خوزستان جایگاه خاصی دارد و به مناسبت‌های گوناگون (ازدواج، سوگواری، جشن‌های مذهبی، بدرقه حجاج و...) سروده می‌شود. آیین سستی یزله نیز به مناسبت‌های مختلف بین عرب‌ها رواج دارد و به اجرای آن، که هم در شادی و هم در سوگواری کاربرد دارد بسیار علاقه‌مندند. در کنار این عناصر فرهنگی، همبستگی‌های سببی و خویشاوندگرایی، مهمان‌نوازی، صداقت و وفای به عهد از دیگر ویژگی‌های فرهنگی این قومیت است.

دین و مذهب

تمام جمعیت عرب خوزستان مسلمان و شیعه دوازده امامی‌اند. مذهب تشیع همواره عامل اساسی همبستگی آنان و نیز هم‌گرایی با ایران طی قرون متمادی بوده است. تأثیر ارزش‌ها و آداب و سنن مذهبی بر مردم عرب خوزستان مشهود است و شعار اسلامی همانند عزاداری ماه‌های محرم و صفر جایگاه ویژه‌ای دارد. عید فطر عید اول عرب‌های خوزستان است و اعیاد دیگر مثل عید نوروز یا عیدالربیع یا عیدالنجره با کیفیت دیگر مناطق برگزار نمی‌شود، اگرچه بخش زیادی از مردم عرب هم عمیقاً آن را پذیرفته‌اند.

جامعه آماری و جامعه نمونه

جامعه آماری این پژوهش تمامی شهروندان عرب بالای ۱۸ سال و حداقل دیپلم شهرهای عرب‌نشین استان خوزستان از تمامی اقشار و گروه‌های صنفی و شغلی می‌باشد. در این پژوهش جمعیت عرب خوزستان با احتساب اکثریت جمعیت شهرستان‌های عمدتاً عرب‌نشین این استان حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر برآورد شده و با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۹۰ نفر به‌عنوان اندازه نمونه انتخاب شد.^(۴) در این پژوهش هفت شهر عرب‌نشین که نسبت جمعیت عرب از غیر عرب بیش‌تر است برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. نمونه

آماري پژوهش را ۳۹۰ نفر (۱۳۵ زن و ۲۵۵ مرد) عرب خوزستاني سنين ۱۸ تا ۶۰ سال تشكيل داده است. در مجموع از تعداد ۶۵۰ پرسشنامه توزیع شده در استان ۴۱۵ پرسشنامه جمع‌آوری شد که ۳۹۰ مورد (متناسب با اندازه جامعه نمونه) سالم و معتبر بوده که مبنای تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جدول شماره (۲): توزیع پاسخگویان بر حسب شهر محل سکونت

شهر محل سکونت	فراوانی
امواز	۱۶۶
آبادان	۵۲
خرمشهر	۵۰
سوسنگرد	۳۱
شادگان	۳۰
ملاثانی	۳۱
اروندکنار	۳۰
جمع	۳۹۰

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها^۱

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی هر دو استفاده شده است. برای توصیف متغیرها در محاسبه درصدها، توزیع فراوانی و میانگین استفاده شده است. برای بررسی ارتباط میان متغیرهایی که در سطح اسمی قرار دارند، از آزمون‌های آماری مجذور کای (خی دو - کای اسکور) و برای سنجش متغیرهایی که در سطح مقیاس ترتیبی بودند از آزمون‌های آماری گاما (Gama) و کندال استفاده شده است. همچنین از آزمون‌های آماری t-test برای گروه‌های مستقل و F-test استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم‌افزار آماری SPSS انجام گرفته است.

۱- در روش‌های آماری و استفاده از نرم‌افزار SPSS برای تحلیل داده‌ها محمد فرارویی اینجانب را کمک کرده‌اند. لازم است از ایشان صمیمانه قدردانی نمایم

ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی پاسخگویان

جنسیت

از مجموع پاسخگویان ۱۳۵ نفر (۳۴/۶ درصد) زن و ۲۵۵ نفر (۶۵/۴ درصد) مرد بوده‌اند.

جدول شماره (۳): توزیع پاسخگویان بر حسب جنس

جنس	فراوانی	درصد
زن	۱۳۵	۳۴/۶
مرد	۲۵۵	۶۵/۴
جمع	۳۹۰	۱۰۰

سن

توزیع سنی پاسخگویان پژوهش، بر حسب گروه‌های سنی از ۱۸ تا ۶۰ سال در چهار دسته تقسیم شده است:

جدول شماره (۴): توزیع پاسخگویان بر حسب سن

گروه سنی	تعداد	درصد
۱۸ - ۲۴	۱۷۶	۴۵/۱
۲۵ - ۳۴	۱۳۱	۳۳/۶
۳۵ - ۴۴	۵۵	۱۴/۱
۴۵ - ۶۰	۲۸	۷/۱۸
جمع	۳۹۰	۱۰۰

میانگین سن افراد ۲۷/۵۶ سال و بیشترین فراوانی مربوط به سن ۲۵ سال است. ۷۹/۵ درصد از افراد حداکثر ۳۴ سال سن دارند. به هر حال تلاش شده از سنین مختلف پاسخگو وجود داشته باشد.

وضع تاهل

حدود نیمی از پاسخگویان پژوهش متأهل هستند. ۲۰۴ نفر مجرد و ۱۸۶ نفر متأهل‌اند.

جدول شماره (۵): توزیع پاسخگویان بر حسب وضع تاهل

وضع تاهل	فراوانی	درصد
تاهل	۱۸۶	۴۷/۷
مجرد	۲۰۴	۵۲/۳
جمع	۳۹۰	۱۰۰

تحصیلات

افراد مورد مطالعه از نظر تحصیلات در سطح مناسبی قرار دارند. همه پاسخگویان از مرتبه دیپلم تا کارشناسی ارشد و بالاترند. چنانچه جدول شماره (۶) نشان می‌دهد ۴۲/۳ درصد از افراد دیپلم و ۳۳/۱ درصد لیسانس دارند. کم‌ترین نسبت افراد در مقطع کارشناسی ارشد و بالاتر می‌باشند. بیشتر پاسخگویان زیرگروه علوم انسانی بوده‌اند.

جدول شماره (۶): توزیع پاسخگویان از نظر تحصیلات

تحصیلات	تعداد	درصد
دیپلم	۱۶۵	۴۲/۳
فوق دیپلم	۸۶	۲۲/۱
لیسانس	۱۲۸	۳۲/۸
کارشناسی ارشد و بالاتر	۱۱	۲/۸
جمع	۳۹۰	۱۰۰

شغل

در این مطالعه نسبت کارمندان دولت از سایر گروه‌های شغلی بیش‌تر است. پس از آن مشاغل آزاد قرار دارند.

جدول شماره (۷): توزیع بر حسب شغل

شغل	فراوانی	درصد
کارمند دولت	۱۲۵	۳۲/۱
کارگر	۳۴	۸/۷
بیکار	۳۵	۹
دانشجو	۷۱	۱۸/۲
آزاد	۸۱	۲۲/۶
نامعلوم	۳۷	۹/۷
جمع	۳۹۰	۱۰۰

درآمد خانوار

یافته‌ها نشان از آن دارد که ۶۷۲ درصد از پاسخگویان میزان درآمد خود را در حد متوسط اعلام کرده‌اند. ۳۰ نفر (۵/۷) درصد زیاد و خیلی زیاد قرار دارند.

جدول شماره (۸): توزیع پاسخگویان بر حسب درآمد

مقدار	شاخص	درصد	فراوانی	وضع ناهل
۲۸۷۸	میانگین	۵/۱	۲۲	۱- خیلی کم
۳	میانه	۲۰/۵	۸۰	۲- کم
۳	نما	۶۷۲	۲۵۸	۳- متوسط
۰/۷۳	انحراف معیار	۵/۴	۲۰	۴- زیاد
۱	حداقل	۲/۳	۱۰	۵- خیلی زیاد
۵	حداکثر	۱۰۰	۳۹۰	جمع

طبقه اجتماعی

بیشتر افراد خود را در طبقه متوسط یا میانه طیف می‌بینند. یافته‌ها نشان می‌دهد ۶۷/۴ درصد از پاسخگویان طبقه خود را متوسط اعلام کرده‌اند. ۲۶/۹ درصد از افراد در طبقه پایین و ۷/۷ درصد در طبقه بالا قرار گرفته‌اند.

جدول شماره (۹): توزیع پاسخگویان بر حسب طبقه اجتماعی

درصد	فراوانی	طبقه اجتماعی
۲۶/۹	۱۰۵	پایین
۶۷/۴	۲۵۹	متوسط
۷/۷	۲۶	بالا
۱۰۰	۳۹۰	جمع

یافته‌های تحقیق

هویت ملی

برای سنجش هویت ملی، چهار مؤلفه در نظر گرفته شده است. سرزمین، زبان فارسی، هم‌گرایی با سایر اقوام خوزستانی (سطح ملت) و رضایت از مسئولان و دستگاه‌های اجرایی (سطح دولت).

۱. جغرافیا و سرزمین ایران

برای سنجش میزان گرایش پاسخ‌دهندگان به این عنصر هویت ملی چهارگویه در نظر گرفته شد.

جدول شماره (۹۱): توزیع پاسخگویان بر حسب افتخار به ایرانی بودن

درصد	فراوانی	افتخار به ایرانی بودن
۴۸/۴	۱۸۵	خیلی زیاد
۲۵/۱	۹۸	زیاد
۱۳/۸	۵۴	تا حدودی
۵/۶	۲۲	کم
۷/۹	۳۱	اصلاً
۱۰۰	۳۹۰	جمع

نسبت کسانی که به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند، بسیار بیشتر از سایرین است. ۷۳/۵ درصد بسیار (به میزان خیلی زیاد و زیاد) به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند. در مقابل حدود ۷/۹ درصد به ایرانی بودن خود افتخار نمی‌کنند.

۲. تعلق اسلامی - ایرانی

عرب‌های خوزستان مسلمان و شیعه و از سوی دیگر ایرانی هستند. برای سنجش سطح گرایش به این سه سطح عربی، اسلامی و ایرانی دوگویه گنجانده شد که ۷۸/۵ درصد، گویه "من عرب ایرانی مسلمانم" را برگزیده‌اند. این نشان‌دهنده آن است که عرب‌های خوزستان، "عرب بودن" خود را در جغرافیای ایرانی - اسلامی تعریف می‌کنند. تنها ۲/۵ درصد عرب بودن خود را مقدم بر جغرافیای ایرانی - اسلامی شمرده‌اند. نتایج این گویه هم، نشان‌دهنده هم‌گرایی قومیت عرب با تعلق سرزمینی و دینی است.

جدول شماره (۹۲): هویت ایرانی - اسلامی پاسخگویان

گرایش	فراوانی	درصد
من یک عربم	۸۴	۲۱/۵
من یک عرب ایرانی مسلمانم	۳۰۶	۷۸/۵
جمع	۳۹۰	۱۰۰

۳. تعلق جغرافیایی

برای سنجش میزان تعلق به سطوح جغرافیایی ایران نیز از پاسخگویان سؤال شد به کدام یکی از مناطق "شهر خودتان"، "ایران"، "خوزستان"، "خاورمیانه"، "کشورهای عربی" تعلق خاطر دارید؟ که تنها حدود دوازده درصد سه گزینه آخر را انتخاب کردند و در مقابل حدود ۸۸ درصد سه گزینه اول را که با هم متناظرند برگزیده‌اند.

جدول شماره (۹۳): توزیع پاسخگویان برحسب تعلق جغرافیایی

تعلق جغرافیایی	فراوانی	درصد
شهر خودم	۱۷۱	۴۷/۳۶
ایران	۱۰۳	۲۸/۵۳
خوزستان	۴۴	۱۲/۱۸
خاورمیانه	۲۲	۶/۲۷
کشورهای عربی	۱۵	۴/۱۵
جهان	۵	۱/۳۸
جمع	۳۹۰	۱۰۰

۴. آمادگی دفاع از سرزمین

شاخص دیگری از تعلق به جغرافیا و سرزمین ایران آمادگی دفاع از ایران بوده است. ۸۷۳۶ درصد پاسخگویان گفته‌اند در صورت بروز تهدید آماده‌ایم از وطنمان دفاع کنیم. ۱۳/۴۶ درصد هم گفته‌اند سرنوشت ایران برایشان مهم نیست.

جدول شماره (۹۴): توزیع پاسخ‌ها در مورد دفاع از ایران

نگرش به دفاع از ایران	فراوانی	درصد
ایران وطن من است و در هر شرایطی از آن دفاع می‌کنم	۳۴۱	۸۳/۳۶
بود و نبود ایران برای من تفاوتی نمی‌کند	۴۹	۱۳/۶۴
جمع	۳۹۰	۱۰۰

همان‌گونه که توزیع فراوانی و درصد گویه‌ها نشان می‌دهد در هر چهار شاخص ارزیابی گرایش به ایرانی بودن، اکثریت پاسخ‌دهندگان نگرش همسر و مثبت به این بعد از عناصر هویتی نشان داده‌اند. نتایج آزمون ضریب همبستگی تانوکندال هم نشان می‌دهد بین غرور ملی و میزان درآمد خانوارها رابطه مستقیم و معناداری در سطح آلفای $P < 0.01$ وجود دارد. به این معنا که هر چه طبقه اجتماعی و درآمد افراد ارتقاء می‌یابد تمایل به افتخار و غرور نسبت به ایرانی بودن افزایش می‌یابد.

جدول شماره (۹): تحلیل واریانس غرور ملی بر حسب طبقه اجتماعی و درآمد

متغیر	منبع واریانس	SS	dF	MS	F	P
طبقه اجتماعی	بین گروهی	۵/۴۲	۲	۲/۷۱۳	۳/۲۶۱	۰/۰۵
	درون گروهی	۳۲۲	۳۸۷	۰/۸۳۲		

ارتباطات میان‌فردی و میان‌گروهی (سطح ملت و هویت)

ارتباط میان‌فردی و میان‌گروهی یکی از شاخص‌های مهم سنجش هم‌گرایی به هویت ملی است. در نتیجه تعامل چندصدساله قومیت‌های مختلف در خوزستان بین قومیت عرب و سایر قومیت‌ها مشکل روابط اجتماعی دیده نمی‌شود. این نتیجه را از طریق به‌کارگیری مقیاس بوگاردوس به دست آورده‌ایم. این طیف برای سنجش فاصله اجتماعی، هنگامی که دو گروه مختلف با دو فرهنگ و زبان متفاوت کنار هم زندگی می‌کنند به‌کار می‌رود. در جدولی که شش گویه طراحی شده بود پاسخگویان عرب خوزستانی موافقت خود را در رابطه با هر مقوله درباره غیرعرب‌ها مشخص کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد ۷۷/۳۸ درصد عرب‌ها موافقت بالا و آمادگی مطلوبی برای ارتباط با غیرعرب‌ها و کاهش فاصله اجتماعی ابراز داشته‌اند. ۳۲۰/۸۷ نمره نهایی و کلی آمادگی برای ارتباط با غیرعرب‌ها را نشان می‌دهد. به این معنا که گروه قومی عرب پیشداوری در مورد سایر اقوام ندارد و بنابراین فاصله اجتماعی چندانی نیز بین این گروه و سایر گروه‌های موجود در استان وجود ندارد. در همه گویه‌هایی که برای سنجش آمادگی برای ارتباط با غیرعرب‌ها در نظر گرفته شده درصد افرادی که گزینه‌های موافقم و کاملاً موافقم را انتخاب نموده‌اند از ۵۷۹۲ درصد تا ۹۱/۵۳ درصد است که آمار بالایی است (جدول شماره ۱۰).

جدول شماره (۱۰): توزیع پاسخگویان بر حسب طبقه اجتماعی با غیر عرب‌ها

فاصله اجتماعی با غیر عرب‌ها	وزن سنج‌ها	تعداد	درصد از مجموع پاسخ‌ها	جمع وزن یافته	پاسخ مثبت
آمادگی برای برقراری رابطه دوستانه با غیر عرب‌ها	۱	۳۵۷	۱۹/۷۲	۱۹/۷۲	۹۱/۵۳
آمادگی برای همسایگی با غیر عرب‌ها	۲	۳۵۵	۱۹/۶۰	۳۹/۲	۹۱
آمادگی برای کار با غیر عرب‌ها	۳	۳۴۵	۱۹	۵۷	۸۸/۴۶
آمادگی برای صحبت کردن در مورد موضوعات سیاسی با غیر عرب‌ها	۴	۲۷۹	۱۵/۴۰	۶۱/۶	۷۱/۵۳
آمادگی برای برقراری روابط دوستانه با غیر عرب‌ها با وجود گرایش سیاسی مخالف	۵	۲۵۳	۱۳/۹۷	۶۹/۸۵	۶۴/۸۵
آمادگی برای کرایه دادن خانه به غیر عرب‌ها	۶	۲۲۲	۱۲/۲۵	۷۳/۵	۵۶/۹۲
مجموع		۱۸۱۱	۱۰۰	۳۲۰/۸۷	۷۷/۳۸

هم‌گرایی با عنصر دولت

مردم هر جامعه‌ای از مسئولان و نهادهای اداری و اجرایی انتظار ارائه خدمات مناسب و برابر به همه شهروندان دارند و بین میزان کارآمدی و مشروعیت دولت از نظر مردم رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. برای سنجش میزان رضایت قومیت عرب و هم‌گرایی آنان با مسئولان اجرایی و دستگاه‌های اجرایی استان خوزستان که نماینده دولت محسوب می‌شوند یازده گویه در نظر گرفته شد که بخشی از آن‌ها میزان رضایت از عمل کرد دولت و برخی نیز احساس برابری از نظر سطح برخورداری از خدمات دولتی را می‌سنجد.

۱. اعتماد به مسئولان استان

اعتماد مردم به مسئولان می‌تواند در تقویت رابطه دولت و مردم مؤثر باشد. این اعتماد همیشه می‌تواند منجر به گرایش هویتی مثبت و همگرا با هویت ملی شود. در این پژوهش مقوله

اعتمادیابی با مقوله‌هایی هم‌چون اعتماد به قول مسئولان، اعتماد به لیاقت مسئولان، اعتماد به موفقیت عمل کرد مسئولان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

توزیع فراوانی و درصدی نگرش جامعه نمونه نشان می‌دهد اعتماد به قول و عمل مسئولان استان خوزستان پایین است. ۷۱/۹ درصد از پاسخگویان عرب استان به میزان بالایی (در حد مخالفم و کاملاً مخالفم) مخالفت خود را با گویه «اعتماد به قول و عمل مسئولان افزایش یافته است» نشان داده‌اند. ۶۶ درصد هم معتقدند توانایی حل مشکلات استان را ندارند. جامعه نمونه به لیاقت و تخصص مسئولان هم اعتماد اندکی دارند، بالا بودن رقم مخالفت وجهی از ناهمگرایی را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱۱): توزیع پاسخگویان بر حسب اعتماد به مسئولان

موضوع	کاملاً موافق		موافق		مخالف		کاملاً مخالف		جمع
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
اعتماد به قول و عمل مسئولان	۲۴	۶/۴	۱۰۳	۲۶/۴	۱۶۹	۴۳/۳	۹۳	۲۸/۲	۳۹۰
توانایی مسئولان در حل مشکلات مردم	۳۶	۱/۲	۹۵	۲۴/۴	۱۴۰	۳۵/۹	۱۱۹	۳۰/۵	۳۹۰
اعتماد به لیاقت و تخصص مسئولان	۲۸	۷/۲	۹۸	۲۵/۱	۲۰۵	۵۲/۶	۵۹	۱۵/۱	۳۹۰

آزمون آماری خی دو نشان‌دهنده رابطه مستقیم سطح درآمد و میزان مخالفت با توانایی و لیاقت مسئولان است. ۶۷/۱۹ درصد پاسخگویی با سطح درآمد خیلی کم و ۵۷/۵ درصد از آنان با میزان درآمد کم، مخالفت خود را با "مردم به لیاقت و تخصص مسئولان استان اعتماد دارند" ابراز داشته‌اند. پاسخگویانی که درآمد خیلی کم و کم دارند مخالفت بالایی با احراز لیاقت و تخصص مسئولان استان ابراز داشته‌اند. هر چه درآمد افراد افزایش می‌یابد از میزان مخالفت نیز کاسته می‌شود. بنابراین بین درآمد و اعتماد به مسئولان استان رابطه محکمی وجود دارد.

جدول شماره (۱۲): توزیع جامعه نمونه بر حسب اعتماد به کارآمدی مسئولان و شاخص درآمد

آزمون آماری	کاملاً مخالف	مخالف	موافق	کاملاً موافق	اعتماد به لیاقت و کارآمدی مسئولان برای حل مشکلات	
					خیلی کم	کم
G = 0.22	۱۳/۴۶	۶۷/۱۹	۱۳/۶۴	۴/۵۴	درآمد	
	۲۰	۵۷/۵	۱۷/۵	۵		
P = 0.01	۱۳/۱۹	۵۲/۷۲	۱۷/۵۲	۷/۵۹	متوسط	
	۹/۵۳	۳۳/۳۳	۳۳/۳۳	۲۳/۸۰	زیاد	
	۴۴/۴۴	۱۱/۱۱	۳۳/۳۳	۱۱/۱۱	خیلی زیاد	

۲. احساس برابری در خدمات و رضایت از دستگاه‌های اجرایی

برای سنجش سطح اعتماد پاسخگویان به دستگاه‌های اجرایی سه‌گویه در پرسشنامه گنجانده شد. با گویه "در سازمان‌ها و ادارات دولتی فساد کاری وجود ندارد و صحت عمل در کارها رعایت می‌شود". ۸۲/۳ درصد مخالفت کرده‌اند. در حالی که حدود ۱۸ درصد موافقت می‌کنند. هم‌چنین با گویه "برای استخدام و اشتغال در استان، عرب و غیرعرب با هم برابرند." نظرات مردم عرب خوزستان پرسیده شد. ۶۰ درصد پاسخگویان مخالفت و ۴۰ درصد موافقت کرده‌اند که نسبت مخالفان بیش‌تر است. حدود ۶۶ درصد هم با گویه "سازمان‌های دولتی در برخورد با مردم تبعیض قائل می‌شوند" موافقت می‌کنند که نسبت قابل توجهی را نشان می‌دهند.

جدول شماره ۱۳: توزیع پاسخگویان بر حسب احساس تبعیض در بهره‌مندی از خدمات

جمع	کاملاً موافق		مخالف		موافق		کاملاً موافق		موضوع
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳۸۹	۳۷/۲	۱۴۵	۴۵/۱	۱۷۶	۱۴/۹	۵۷	۲/۸	۱۱	در سازمان‌ها و ادارات دولتی فساد کاری وجود ندارد.
۳۹۰	۲۴/۹	۹۷	۳۵/۱	۱۳۷	۲۵/۹	۱۰۱	۱۴/۱	۵۵	برای استخدام و اشتغال در استان، عرب و غیرعرب زبان با هم برابر و یکسان هستند.
۳۸۱	۹/۷۱	۳۷	۲۵/۹۸	۹۹	۴۰/۷۸	۱۵۵	۲۳/۶۲	۹۰	سازمان‌های دولتی در برخورد با مردم تبعیض قائل می‌شوند.

۳. برابری اقتصادی

عرب‌های خوزستان انتظار دارند اوضاع اقتصادی استانی که در آن زندگی می‌کنند مناسب شود و آنان نیز از توسعه اقتصادی استان بهره‌مند شوند. در حدود ۶۴ درصد از پاسخگویان عرب خوزستانی با گویه "وضعیت و جایگاه اقتصادی - اجتماعی مهاجرین به استان بهتر از خوزستانی‌هاست" موافقت نموده‌اند. هم‌چنین گویه "بیشتر آشنایان من در این شهر از وضعیت اقتصادی خود راضی هستند"، پرسیده شده که بیش از ۵۲ درصد مخالفت دارند. ۶۱ درصد پاسخگویان هم معتقدند که بیش‌تر دوستانشان از درآمد خود راضی نیستند. گویه "خوزستانی نباید برای پیدا کردن شغل به استان‌های دیگر برود"، ۶۷/۷ درصد موافق دارد و این گویه که "خوزستانی‌هایی که در استان‌های دیگر زندگی می‌کنند، وضع اقتصادی - اجتماعی بهتری دارند"، ۵۰ درصد موافق دارد، در حالی که حدود ۱۷ درصد مخالفت نموده‌اند. بنابراین میانگین درصد مخالفت‌ها با وضعیت موجود اقتصادی حاکی از احساس نابرابری و محرومیت به لحاظ اقتصادی بین جامعه نمونه پاسخ‌دهنده است.

جدول شماره (۱۴): نگرش جامعه نمونه به وضعیت اقتصادی

موضوع	کاملاً موافق		موافق		تقریباً ندارم		مخالفم		کاملاً مخالفم	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
وضعیت و جایگاه اقتصادی و اجتماعی مهاجرین شهر خوزستانی‌هاست	۳۸/۷	۱۵۱	۹۹	۲۵/۴	۱۰/۷	۲۷/۴	۲۲	۵/۶	۱۱	۲/۸
بیشتر دوستان من در این شهر از شغل خود راضی هستند	۳/۶	۱۴	۷۶	۱۹/۵	۸۶	۲۲/۱	۱۵۰	۳۵/۸	۶۴	۱۶
بیشتر دوستان من از درآمد خود راضی هستند	۳/۶	۱۴	۵۴	۱۳/۸	۸۴	۲۱/۵	۱۵۶	۴۰	۸۲	۲۱
خوزستانی نباید برای پیدا کردن شغل به استان‌های دیگر برود	۴۶/۷	۱۸۲	۸۲	۲۱	۵۳	۱۳/۶	۳۶	۹/۲	۳۷	۹/۵
خوزستانی‌هایی که در دیگر استان‌ها زندگی می‌کنند وضع اقتصادی - اجتماعی بهتری دارند	۲۲/۳	۸۷	۱۰۸	۲۷/۷	۱۱۴	۳۶/۹	۳۲	۸/۲	۱۹	۴/۹

زبان فارسی

زبان فارسی، به عنوان زبان رسمی کشور در بین عرب‌های خوزستان اهمیت زیادی دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، ۷۳/۵ درصد از پاسخگریان، نظر مثبتی به زبان فارسی به عنوان زبان ملی ایرانیان دارند و تنها ۷/۹ درصد کاملاً مخالف بوده‌اند. همچنین بیش از ۶۲ درصد با این گویه که "موسیقی فارسی را همانند موسیقی عربی دوست دارم" موافق بوده‌اند و ۶۵/۵ درصد هم "برای پیگیری کارهایشان در ادارات و نهادها به زبان فارسی صحبت می‌کنند و با آن راحت هستند". در عین حال که بیش‌تر جامعه نمونه در منازل و خانواده‌ها به زبان عربی صحبت می‌کنند. از طرف دیگر تکلم زبان فارسی در حدود ۴۰ درصد از جمعیت در خانواده‌ها به نسبت‌های متفاوت نشان از حضور زبان ملی در خانواده‌های عرب خوزستان دارد. با مراجعه به جدول ذیل می‌توان گفت در خصوص این مؤلفه نیز توزیع فراوانی و درصدی نشان از تمایل بالای قومیت عرب به این عنصر هویت ملی دارند. تنها مؤلفه‌ای که در میان سایر مؤلفه‌ها کم‌ترین درصد را کسب کرده تکلم با اعضای خانواده است که حدود ۷۰ درصد گفته‌اند در میان اعضای خانواده به زبان محلی صحبت می‌کنند.

جدول شماره (۱۵): میزان موافقت با زبان ملی

جمع	اصلاً	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	میزان موافقت
						گویه
۱۰۰	۷/۹	۵/۶	۱۳/۸	۲۵/۱	۴۸/۴	۱- زبان فارسی زبان ملی همه ایرانیان است.
۱۰۰	۱۳/۳۳	۱۲/۸۱	۱۱/۶۲	۳۷/۵۱	۲۵/۷	۲- موسیقی زبان فارسی را همانند موسیقی به زبان عربی دوست دارم.
۱۰۰	۳۱/۱	۲۹/۲	۱۳/۵	۱۲/۲	۱۳/۸	۳- با اعضای خانواده فارسی صحبت می‌کنم.
۱۰۰	۸۳	۵/۲	۲۱/۸	۳۷/۱	۳۸/۴	۴- برای پیگیری کارهایم در ادارات به زبان فارسی راحت هستم.

هویت قومی

برای سنجش میزان گرایش به هویت قومی، دو مؤلفه اصلی نوم عرب انتخاب و برای هر کدام چند سنجه در نظر گرفته شده است. آداب و رسوم فرهنگی و زبان این دو مؤلفه‌اند. چون تمام جمعیت قومیت عرب شیعه‌اند و از این نظر با عنصر دینی - مذهبی هویت ملی ایرانی همگراست. این سنجه در بخش هویت ایرانی - اسلامی گنجانده شد و در این بخش در نظر گرفته نشد.

۱. آداب و رسوم فرهنگی

عرب‌ها به فرهنگ و سنن خود حساسیت زیادی دارند. از مجموع پاسخگویان بیش از ۷۷ درصد به اجرای رسوم، آیین‌ها و عرف سستی و محلی در میان مردم عرب موافقت می‌کنند. هم‌چنین بیش از ۵۷ درصد با استفاده مردان و زنان عرب از لباس‌های سستی موافق بوده‌اند. بیش از ۸۶ درصد هم گفته‌اند که به مراسم "شعرخوانی" که از آیین‌های مهم فرهنگی عرب‌های خوزستان است علاقه‌مندند و معمولاً در آن شرکت می‌کنند. بیش از ۷۱ درصد هم در حد زیاد و خیلی زیاد به مراسم سستی "یزله" علاقه دارند. از مجموع آمار و اطلاعات فوق می‌توان به راحتی به این نتیجه رسید که عرب‌های خوزستان نسبت به جنبه‌های مختلف آداب و رسوم فرهنگی خود اهمیت فراوانی قائلند و هویت فرهنگی خود را کاملاً می‌شناسند.

جدول شماره (۱۶): میزان گرایش به فرهنگ قومی

جمع	اصلاً	کم	فا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	میزان موافقت
						گوبه
۱۰۰	۱/۴	۷/۹	۱۱/۳	۲۸/۳	۴۸/۴	۱- میزان علاقه به شرکت در مراسم شعرخوانی عربی
۱۰۰	۸/۱	۷/۹	۱۶/۴	۳۲/۴	۳۵/۲	۲- علاقه به رسوم و آداب سستی عربی
۱۰۰	۶/۸	۱۸	۱۷/۷	۳۱/۴	۲۶/۳	۳- علاقه به "یزله"
۱۰۰	۹/۵	۶/۱	۱۷/۴	۳۴/۶	۳۷/۴	۴- موافقت با استفاده زنان و مردان از لباس سستی

۲. زبان محلی

زبان از ارکان مهم موجودیت هر قومیت به‌شمار می‌رود و حیات فرهنگی نظام اجتماعی بستگی نزدیکی به زبان آن دارد. عرب‌ها به این عنصر قومی ابراز علاقه زیادی کرده‌اند. ۷۷/۸ درصد پاسخگویان اعلام داشته‌اند با اعضای خانواده خود خیلی زیاد و زیاد به زبان عربی خوزستانی صحبت می‌کنند. ۷۸ درصد ابراز داشته‌اند از اینکه زبان عربی مورد بی‌توجهی قرار گیرد ناراحت می‌شوم و ۷۱ درصد هم به تدریس زبان عربی در مدارس و دانشگاه‌ها ابراز تمایل کردند. مطابق این یافته‌ها می‌توان به اهمیت بالای زبان مورد تکلم عرب‌های خوزستان در بین اهالی این قوم پی‌برد.

جدول شماره (۱۷): میزان گرایش به زبان محلی

جمع	اصلاً	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	میزان موافقت
						گویه
۱۰۰	۳/۶	۳/۴	۱۳/۲	۳۳/۶	۴۴/۲	۱- تکلم به زبان عربی با خانواده
۱۰۰	۴/۱	۶/۵	۱۶/۴	۳۸/۴	۳۹/۶	۲- ناراحتی از بی‌توجهی به زبان عربی
۱۰۰	۵/۵	۵/۱	۸/۴	۳۳/۸	۳۷/۲	۳- تمایل به تدریس زبان عربی در مدارس و دانشگاه‌ها

نتیجه

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نشان داده است که میزان گرایش به هویت ملی در عرب‌ها بالاست. به شاخص‌های تعلق به سرزمین ملی بیش از ۸۰ درصد از جامعه نمونه تمایل زیاد و خیلی زیاد داشته‌اند. این میزان فراوانی بالا، نشان‌دهنده اهمیت جغرافیای ایران برای جامعه عرب خوزستان است که در طی قرن‌ها زیست در کنار سایر اقوام ایرانی به آن علاقه و تعلق فراوان یافته‌اند. عرب‌های خوزستان در طی سال‌های متمادی زندگی در این منطقه با سایر اقوام نیز تعامل بسیار نزدیک یافته‌اند به گونه‌ای که در این شاخص از هویت ملی نیز بیش از ۷۷ درصد به‌طور میانگین به اشکال گوناگون با سایر اقوام و مردم استان خوزستان ارتباط اجتماعی فراوان دارند و مشکلی هم برای توسعه این ارتباط ندارند. در شاخص زبان ملی هم به‌طور میانگین ۶۷

درصد زبان ملی را دوست دارند و در مراودات اجتماعی با آن احساس راحتی می‌کنند. در مقایسه با این سه سنجه هویت ملی، جامعه نمونه با عنصر دولت ملی ناهمگرایی دارند و میزان رضایت و اعتماد آنان از خدمات دستگاه‌های اجرایی و کارآمدی مسئولان در سطح پایینی قرار دارد. ۶۶ درصد از جامعه نمونه به‌طور متوسط به مسئولان و خدمات نهادهای دولتی اعتماد ندارند و در عین حال در مقایسه با سایرین احساس تبعیض می‌کنند. ۵۹ درصد "احساس نابرابری اقتصادی" دارند، ۷۰ درصد "احساس تبعیض" دارند و ۶۷ درصد نیز "اعتمادی" به کارآمدی، تخصص و توانمندی مسئولان استان ندارند.

در زمینه هویت قومی نیز جامعه عرب خوزستان، به هویت خود آگاهی دارد و گرایش بالایی به عناصر فرهنگی و زبان هویت قومی خود دارند. ۶۷ درصد به‌طور میانگین طرفدار آداب، رسوم و آیین‌های فرهنگی قوم خود هستند و ۷۷ درصد هم از زبان محلی استفاده و به آن علاقه فراوان دارند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد قومیت عرب به دو سطح محلی و ملی هویت گرایش دارد. این گونه نیست که تمایل به هویت قومی باعث کاهش گرایش به هویت ملی شده باشد، بلکه برعکس گرایش به هویت ملی و احساس تعلق به سرزمین ایران، اسلام و زبان فارسی در سطح بالایی قرار دارد، در عین حال که به عناصر فرهنگی و زبانی هویت قومی هم گرایش دارند بنابراین می‌توان گفت نظریه‌های "ذهن‌گرا" و "ازل‌انگار" که بر تمایز دو سطح هویت قومی و ملی و تعارض این دو با یکدیگر دارند، نمی‌تواند توضیح دهند، شرایط قوم عرب باشد.

بنابراین به‌منظر می‌رسد همان‌گونه که داده‌های پژوهش اثبات کرده، برخی ناآرامی‌ها و نارضایتی‌های قومی در خوزستان را باید با رویکردهای عینی‌گرا توضیح داد. در این زمینه نظریه‌های "محرومیت نسبی" و "چرخه محرومیت" قابلیت تبیینی بالایی دارد. نتایج آزمون‌های معنادار نشان می‌دهد بین "طبقه" و "درآمد" افراد و میزان هم‌گرایی به عناصر هویت ملی و نیز سطح اعتماد به عنصر دولت رابطه مستقیمی وجود دارد. هر چه درآمد افراد افزایش یافته است گرایش آنان به هویت ایرانی - اسلامی و تعلق سرزمینی افزایش داشته است. در مقابل هر چه درآمد افراد کم‌تر باشد گرایش هویتی و اعتماد آنان نیز کاهش یافته است. این نتایج با وضعیت شاخص‌های اقتصادی خوزستان که پس از جنگ هشت‌ساله سیر

نزولی داشته نیز مطابقت دارد. خوزستان در شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه از رتبه دوم در سال ۱۳۵۶ به رتبه ۱۵ در سال ۱۳۷۵ تنزل یافته است. در این شرایط جامعه عرب خوزستان خود را از نظر میزان بهره‌مندی از منابع و امکانات بادیگران (داخلی و خارجی) مقایسه کرده است و فعالیت نخبگان قومی نیز در تشدید این احساس محرومیت به‌عنوان مکمل عمل کرده است. طبیعی است در این زمینه نقش دولت در ایجاد زیرساخت‌های توسعه در استانی که هشت سال درگیر جنگ بوده است مهم است و این شرایط مسئولیت دولت و برنامه‌ریزان توسعه اقتصادی و اجتماعی را برای تأمین "خواسته‌ها" و "انتظارات" مردم این استان نشان می‌دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی-پژوهشی مطالعات فرهنگی

یادداشت‌ها:

۱- خوزستان در ۹۰ سال گذشته سه بار دچار چالش‌های واگرایانه و ناآرامی‌های قومی شده است: غائله شیخ خزعل (پایان ۱۳۰۲)، پدیده خلق عرب (۱۳۵۸) و ناآرامی‌های سال ۱۳۸۴.

ناآرامی‌های سال ۱۳۸۴ در پی توزیع نامعای منسوب به دفتر رئیس‌جمهور سابق حجت‌الاسلام و المسلمین خاتمی رخ داد. طی این ناآرامی‌ها، گروه‌های قوم‌گرا با چندین بمب‌گذاری موجب کشته شدن حداقل ۳۰ نفر و زخمی شدن بیش از سیصد نفر شدند.

۲- برخی افراد که عمدتاً نیروهای قوم‌گرای عرب‌اند جمعیت عرب‌های خوزستان را بسیار بیش‌تر از این عنوان کرده‌اند به‌عنوان مثال یوسف عزیزی بنی‌طرف از فعالان مسائل قومی عرب‌های خوزستان در مصاحبه‌ای با شبکه الجزیره جمعیت عرب‌های ایران را ۵ میلیون نفر یعنی حدود هفت درصد جمعیت کشور عنوان کرده است این میزان یک میلیون بیش‌تر از کل جمعیت استان است (رک به نبوی، سید عبدالامیر، «خوزستان و چالش‌های قوم‌گرایانه»، در کتاب: حمید احمدی، ایران، هویت، ملیت و قومیت، ص ۵۱۳).

۳- این حجم نمونه با اطمینان ۹۵٪ با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه Krejcie & Morgan تعیین و تأیید شده است.



مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی-پژوهشی
رتال‌علم‌انسانی

کتابشناسی:

- احمدی، حمید (۱۳۷۸): قومیت و قوم‌گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- اشرف، احمد (۱۳۸۳): «بحران هویت ملی و قومی در ایران»، در کتاب: حمید احمدی؛ ایران، هویت، ملیت و قومیت، تهران: مؤسسه تحقیقات و علوم انسانی.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۷۷): «قومیت و امنیت»، ترجمه حسن شفیعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش‌شماره دوم.
- اوزکریمی، اوموت (۱۳۸۳): «نظریه‌های ناسیونالیسم»، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران: مؤسسه مطالعات ملی - تمدن ایرانی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۵): «انسان ایرانی، سیاست و آیندشناسی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره اول، شماره دوم.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۰): الگوی سیاست قومی در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره‌های ۱۱ و ۱۲.
- رضایی احمد، رباحی، محمداسماعیل و سخاوتی قره‌نورمحمد (۱۳۸۶): «گرایش به هویت ملی و قومی در ترکمن‌های ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، شماره چهار.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶): توسعه و تضاد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زاهد، سعید (۱۳۸۴): «هویت ملی ایرانیان»، فصلنامه راهبرد باس، شماره چهارم.
- سیادت، موسی (۱۳۷۴): تاریخ و جغرافیای عرب خوزستان، تهران: مؤسسه چاپ و نشر آرزان.
- (۱۳۷۹): تاریخ خوزستان از افشاریه تا دوران معاصر، ج ۲، قم: دفتر خدمات چاپ و نشر عصر جدید.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۵): مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- کسروی، احمد (۱۳۳۵): شهر یاران گمنام، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰): تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- نبوی، سید عبدالامیر (۱۳۸۳): «خوزستان و چالش‌های قوم‌گرایانه»، در کتاب: حمید احمدی، ایران، هویت، ملیت و قومیت، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.